

مجموعه اجتماعی و فرهنگی امام
علی (ع) برگزار کرد
مسابقه میان فیزیکدانان
جوان کشور

مجموعه اجتماعی و فرهنگی امام علی (ع) ۳۰ آبان و اول آذر، میزبان ۵۰ نفر از جوانانی بود که از برخی شهرهای کشور برای شرکت در هفتمین سری مسابقات فیزیکدانان جوان ایران در این مجموعه گرد آمده بودند. «حسین مرادی» شهردار منطقه ۲۲ درباره این گردهمایی گفت: «مؤسسه اندیشه‌های

خلاق جوان آریایی، امسال هفتمین سال برگزاری مسابقه فیزیکدانان جوان ایرانی را با حضور جوانان ۱۴ تا ۱۸ سال علاقه‌مند به فیزیک برگزار کرد. مرحله اول این سری مسابقات به زبان فارسی و مرحله دوم که ظرف یک تا ۲ ماه آینده برگزار خواهد شد، به زبان انگلیسی است.»

افراد علاقه‌مندی بسیاری در اطراف صحنه فیلمبرداری جمع می‌شوند که گاهی باعث اختلال در کار می‌شود. اهالی محله ما خیلی خوب رفتار و همکاری می‌کنند. حتی یک بار نیاز به یک بازیگر کودک داشتیم که همسایه‌ها به ما کمک کردند.

زمانی: موقعی که ما از انگلیس برگشتیم می‌خواستیم مجموعه‌ای را با نام «قبل از حادثه» که شامل چند فیلم کوتاه و درباره آسیب‌های اجتماعی بود برای تلویزیون کار کنیم؛ به گروه تولید پیشنهاد کردیم به خیابان پاتریس لومومبا برویم و فیلم را آنجا بگیریم. از صبح تا شب در این محله کار کردیم؛ همه شگفت‌زده شده بودند که محله چقدر سکوت و آرامش دارد و حتی اهالی مدام به ما کمک می‌کردند. آن هنگام از بهترین زمان‌های کار ما بود. آن روز خیلی یز محله‌مان را دادیم.

در صحبت‌هایتان از کار در فیلم با موضوع آسیب‌های اجتماعی نام بردید. در کارنامه کاری‌تان به این‌گونه موضوعات زیاد پرداختید چرا این حوزه را انتخاب کردید؟

زمانی: اصولاً افرادی که کار هنری انجام می‌دهند باید نسبت به جامعه خود حساس باشند. یکی از نشانه‌های یک هنرمند موفق، میزان حساسیت او به جامعه و فضای اطرافش است. هنرمند باید هر آسیب یا عیبی را که در جامعه‌اش می‌بیند نسبت به آن حساس شود و توجه مسئولان و مردم را نسبت به آن جلب کند. حتی باید آسیب را به‌صورت اغراق شده به تصویر بکشد تا افراد سریع‌تر به فکر چاره برای رفع آن بیفتند. وظیفه هنرمند فقط نشان دادن مشکلات است نه راهکار دادن. یک هنرمند باید آینه جامعه‌اش باشد.

یکی از سریال‌هایی که در هفته‌های اخیر از تلویزیون به نمایش درآمد مجموعه «همه بچه‌های ما» بود. آقای زمانی! شما که یکی از فیلمنامه‌نویسان آن بودید چقدر از

کودکان کار محله‌های منطقه الهام گرفتید؟

زمانی: متأسفانه در همه شهرهای بزرگ دنیا معضلی با عنوان «بچه‌های کار» هست. من در این سریال ۲۸ قسمتی از اعضای گروه تحقیق و نگارش بودم. کودکان کار، همیشه یکی از موضوعات جذاب و تأثرانگیز برای من هستند و تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرم، برای همین از پیشنهاد کار استقبال کردم؛ مدتی را با یکی از کارشناسان بهزیستی به اطراف تهران و مکان این باندها می‌رفتم که بسیار دردناک بود و فیلمنامه را نوشتیم و فیلم ساخته شد.

تلویزیون رسانه‌ای است که بسیار زود بازخورد کار در آن قابل مشاهده است. البته شاید این موضوع برای بازیگرانی که چهره‌های شناخته شده برای مردم هستند بیشتر نمود داشته باشد. شما در این مجموعه چقدر به آنچه می‌خواستید دست یافتید و بازخوردها را چگونه دیدید؟

زمانی: چون من جزو گروه نویسندگان بودم بازخوردهای کمتری از جانب مردم دریافت کردم؛ مسلماً بازیگران بیشتر می‌توانند بازخوردها را دریابند. بیشتر بازخوردهایی که دیدم از طرف دوستانم و درباره مسائل فنی و تخصصی کار بود تا بازخورد اجتماعی. ما تلاش کردیم که تلنگری بزنیم و امیدوارم در این زمینه موفق شده باشیم. اگر این سریال باعث شود پیام ما به برسد و آنان به گونه‌ای جدید به مسئله توجه کنند این نگاه در جامعه تسری می‌یابد و مؤثر خواهد بود.

در هفته‌های اخیر فیلم مستند «کرگدن‌ها و ناگرگدن‌ها» را در خانه هنرمندان اکران کردید. هر یک از شما در این اثر چه نقشی داشتید؟

زمانی: این فیلم مستند، درباره نمایشنامه «کرگدن» اثر «اوژن

یونسکو ترجمه «احمد کامیابی مسک» است که بیش از ۵۰ سال در همه دنیا اجرا می‌شود و شهرت جهانی دارد. من شاگرد پروفیسور کامیابی در دانشگاه تهران بودم و با مهتاب در انگلیس تجربه‌های خوبی کسب کردیم. مثلاً آموختیم برخلاف اینکه تصور می‌شود کارهای بزرگ را باید با بودجه‌های زیاد و افراد بسیار انجام داد می‌توانیم دو نفری کاری خوب ارائه دهیم. «کرگدن‌ها و ناگرگدن‌ها» برایم خیلی عزیز است؛ این مستند را دونفری ساختیم و اگر مهتاب نبود این فیلم ساخته نمی‌شد. اکنون نیز با یکدیگر در حال ساختن مستند دیگری هستیم که در مرحله تدوین و داستان یک جوان آلمانی است که به ایران آمده است. ما به‌صورت اتفاقی با این فرد آشنا شدیم. او با دو چرخه از کشورهای مختلف گذشته و به ایران رسیده و اکنون ایران را بسیار دوست دارد و می‌خواهد اینجا زندگی کند. همین تجربه را ما نیز پس از سفر به انگلیس درک کردیم که در کشورمان چه نعمتهایی داریم.

خانم صفدری! گویا شما تدریس هم می‌کنید.

صفدری: بله. یکی از دوستانم مدتی پیش از من پرسید مهتاب تو بالاخره چه کاره ای؟ من می‌توانم بین کارهایم فاصله بگذارم و بر هر یک تمرکز داشته باشم. چند کار را هم‌زمان انجام نمی‌دهم اما در هر مقطع زمانی کار متفاوتی را انجام دهم.

به‌عنوان یک هنرمند که در منطقه ۲ زندگی و گاهی کار می‌کنند نیازهای محله را چه می‌دانید؟

صفدری: من، خودم را هنرجو می‌دانم نه یک هنرمند. در هر صورت معتقدم جای یک سالن تئاتر در محله ما خالی است. متأسفانه تئاتر مخاطب خاص دارد. ما می‌توانیم مخاطب عام را نیز وارد این فضا کنیم. تجربه‌های را که مخاطب در سالن تئاتر تجربه می‌کند در فضای دیگری نمی‌تواند کسب کند. تئاتر هنری بسیار اثرگذار است و بازیگر نفس به نفس مخاطب، هنرش را ارائه می‌کند. شهرداری می‌تواند در این زمینه نقش ایفا کند. حتی وجود یک سوله برای تمرین و اجرای هنرمندان تئاتر نیز می‌تواند مناسب باشد. اگر امکانات در شهر پراکنده باشد همه افراد می‌توانند از آنها بهره‌مند شوند. خانه هنرمندان فعالیت خود را در یک سوله آغاز کرد اما با کمک شهرداری توانست به موقعیت مناسبی دست یابد.

زمانی: ما سال‌هاست که در این محله زندگی می‌کنیم و خاطرات خوب بسیاری از اینجا داریم. بخش مهمی از زندگی انسان‌ها را خاطراتشان تشکیل می‌دهد. افرادی مثل ما باید حداقل هفته‌ای ۲ بار به سینما برویم. حتی اگر فیلم خوبی بر پرده نباشد یا فیلمی را چند بار ببینیم. آیین سینما و تئاتر رفتن برای افرادی مثل ما بسیار اهمیت دارد اما متأسفانه در منطقه ما سالن سینما به تعداد کافی نداریم که امیدواریم اقدامی در این باره صورت گیرد.

کارنامه هنری محسن زمانی

- ۱۳۷۸ - نویسندگی و کارگردانی فیلم کوتاه «سیدبابا»
- ۱۳۸۰ - نویسندگی و کارگردانی فیلم کوتاه «مصیبت منقوش»
- ۱۳۸۰ - نویسندگی نمایشنامه «سبیل‌های مقدس لمپن‌های مریخی»
- ۱۳۸۲ - نویسندگی و کارگردانی نمایشنامه‌های «آواز خون همینه» و «نیش قبر خاطرات خموده خضر»
- ۱۳۸۲ - نویسندگی و کارگردانی فیلم کوتاه «توهم»
- ۱۳۸۳ - نویسندگی نمایشنامه «خواب شیرین یا سرب داغ و باروت»
- ۱۳۸۳ - نویسندگی و کارگردانی نمایشنامه «یک زن، یک بوق گنده»
- ۱۳۸۳ - نویسندگی فیلمنامه بلند «اینک، آخر الزمان ۲»
- ۱۳۸۴ - ترجمه نمایشنامه «بیز یا سیلویا کیست؟»
- ۱۳۸۵ - نویسندگی نمایشنامه «اینجا، برزخ»
- ۱۳۸۷ - ترجمه نمایشنامه «زن بی‌اهمیت»
- ۱۳۸۷ - نویسندگی و کارگردانی فیلم کوتاه داستانی «یک اتفاق ساده» دارنده تقدیر ویژه هیئت داوران و دیپلم افتخار در سومین جشنواره فیلم پلیس
- ۱۳۸۷ - نویسندگی و کارگردانی مستند کوتاه «عاشقانه بر چکاد»
- ۱۳۸۷ - نویسندگی و کارگردانی فیلم مستند کوتاه «حضور ناب» و «به رنگ آسمان» یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی
- ۱۳۸۸ - نویسندگی مجموعه انیمیشن «دریانوردان کوچک»
- ۱۳۸۸ - کارگردانی و نویسندگی مجموعه انیمیشن «هدیه شگفت‌انگیز»
- ۱۳۸۹ - نویسندگی مجموعه مستندهای «سفرنامه خراسان» و «سفرنامه کردستان»
- ۱۳۹۱ - نویسندگی فیلمنامه‌های بلند «ملاقات با مامان و بابام» و «میراث امید»
- ۱۳۹۱ - کارگردانی فیلم کوتاه داستانی «تسبیان»
- ۱۳۹۱ - نویسندگی مستند تلویزیونی «قبل از حادثه»
- ۱۳۹۲ - نویسندگی و کارگردانی مستند «کرگدن‌ها و ناگرگدن‌ها»
- ۱۳۹۲ - عضو گروه نویسندگان مجموعه تلویزیونی «همه بچه‌های ما»
- ۲۰۱۱ - کارگردانی فیلم کوتاه داستانی «The Closest Tube» و «The Ginger»
- ۲۰۱۱ - نویسندگی و کارگردانی نمایشنامه «Right Hand Steering Wheel»

کارنامه هنری مهتاب صفدری

- ۱۳۸۰ - بازی در نمایش «درخت زندگی»
- ۱۳۸۱ - بازی در نمایش‌های «یک زن، یک کاروان» و «پلیس جنگل»
- ۱۳۸۱ - بازی در فیلم‌های کوتاه «دیروز، امروز، فردا» و «گره کور»
- ۱۳۸۲ - طراح صحنه و لباس و بازی در فیلم داستانی «و اما عشق»
- ۱۳۸۲ - بازی در فیلم کوتاه «توهم»
- ۱۳۸۲ - دستیار کارگردان در نمایش «یحیی پسر ایمان»
- ۱۳۸۲ - بازی در نمایش‌های «یحیی پسر ایمان»، «رقص پروانه‌ها»، «خاطرات خموده خضر» و «آواز خون همینه»
- ۱۳۸۳ - بازی در تله فیلم «فردا روشن است»
- ۱۳۸۳ - منشی صحنه در تله فیلم «فردا روشن است»
- ۱۳۸۳ - بازی در مجموعه تلویزیونی «عروس»
- ۱۳۸۴ - بازی در مجموعه تلویزیونی «ریشه در زمان»
- ۱۳۸۴ - «بیز یا سیلویا کیست؟»
- ۱۳۸۶ - بازی در نمایش «همه پسران من»
- ۱۳۸۷ - بازی در فیلم داستانی «یک اتفاق ساده»
- ۱۳۸۷ - بازی در نمایش‌های «شنه‌های رفتن» و «اینجا، برزخ»
- ۱۳۸۷ - دستیار کارگردان در نمایش «شنه‌های رفتن»
- ۱۳۸۷ - ترجمه نمایشنامه «زن بی‌اهمیت»
- ۱۳۹۱ - انتخاب بازیگر و بازیگردان در مجموعه تلویزیونی «قبل از حادثه»
- ۱۳۹۲ - تهیه کوچک فراموشی»
- ۱۳۹۲ - تصویربرداری فیلم مستند «کرگدن‌ها و ناگرگدن‌ها»